

جامعه را حل کند. آموزش نیز همین طور است. ما دانشجویانی را می بینیم که برای ثبت نام آن ها بعضا کمک می کنیم ولی تعدادی نیز ترک تحصیل می کنند. این ها واقعیت های جامعه است. اگر این اتفاق می افتاد و این یارانه ها در آن بخش ها می رفت اثرات مثبت اجتماعی و اقتصادی و اثر مثبت روی رشد اقتصادی و توسعه نیز می توانست داشته باشد؛ برخی از دغدغه های خانوارها نیز بر طرف می شد. الان برخی از مردم نارضی هستند و می گویند که دوست داریم به همان فضای قبل از هدفمندی یارانه ها برگردیم. در حالی که وضعیت سلامت، رفاه، تامین اجتماعی و تولید نیز بدتر شده است و تولید فرش، صنایع دستی، گلیم و غیره نیز پایین آمده است.

برای حمایت از تولید به ویژه در صنایع چه اقداماتی باید در گام دوم هدفمندی یارانه ها انجام دهیم؟

اولا آن تعهدی که بر عهده دولت بوده است که به تولید برسد و ۳۰ درصد از یارانه ها را به تولید اختصاص دهد باید محقق شود ولی اصولا منابعی که ناشی از اجرای هدفمندی یارانه ها به دست دولت رسیده، کوچکتر از هزینه شده است. یعنی چیزی برای دولت نمانده است که به تولید کننده بدهد، محاسبات درست نبوده است. اگر پیشنهاد امثال من که معتقد بودیم پرداخت ها نقدی نباشد محقق می شد، دولت این دغدغه را نداشت. الان آخر هر ماه دولت این دغدغه را دارد که ماه بعدی چطور می مبلغ هدفمندی یارانه ها را تامین کند. اما برای صنعت و تولید قرار شده بود که ۳۰ درصد از یارانه های پرداختی به تولید کننده اختصاص یابد.

تولید کننده ای که از سوخت ارزان استفاده می کرد، برای برخی از کالاهای محدودیت قیمت گذاشتید، از طرف دیگر هزینه تولید و سوخت و نیروی کار بالا رفت ولی تولید کننده اجازه نداشت به میزان همان افزایش قیمت، قیمت کالاهای خود را افزایش دهد و در کنار آن واردات هم صورت می گرفت، در نتیجه سه شیفت کار تبدیل به دو یا یک شیفت شد یا برخی از واحدها به تعطیلی کشیده شدند. اما حالا دولت باید به صنایعی که ارزی ندارند کمک کند به طوری که یک شیفت را دو شیفت و سه شیفت کنند.

یعنی صنایعی که نیاز به واردات محصول و مواد اولیه از خارج ندارند، دسته دوم به صنایعی که ارزی کمی دارند کمک کند و یارانه بدهد. در انتها نیز به صنایع پیشرفته که ارزی هم هستند کمک کند که البته این صنایع باید در یک دوره ۵ ساله به صادرات برسند که در قبال آن ارز مورد نیازشان تامین شود. البته ما یک استراتژی در حوزه های صنعتی مان نداریم که چه نوع صنایعی را حمایت کنیم، آیا صنایع کاربر را حمایت کنیم یا صنایع سرمایه بر یا صنایع های تک (تکنولوژی بالا) یا صنایع میدل تک (تکنولوژی متوسط) یا لاو تک (تکنولوژی پایین)، یک نوع سرگردانی در حوزه صنایع داریم که دولت و مجلس باید یک استراتژی صنعتی ده ساله تدوین کنند که سرمایه گذاران تکلیف خودشان را بدانند و یارانه را که محدود است در جایگاه خود مصرف شود.

آیا بهتر نیست علاوه بر ارزی بودن، ملاک های دیگری مثل بهره وری، صرفه جویی در مصرف انرژی و استفاده از فناوری را در نظر بگیریم؟

قطعا باید این اتفاق بیفتد. امروز یکی از بیماری های صنعت ما آن است که ماشین آلات انرژی زای بالایی دارد و سوخت بر هستند و بهره وری پایین است. الان متوسط استفاده از ظرفیت تولید در کشور حدود ۳۵ درصد است یعنی خیلی کار داریم تا بتوانیم از ظرفیتی که در ایران ما ایجاد شده است به خوبی استفاده کنیم. یعنی اگر طی یک انقلاب صنعتی همین ظرفیت را دو برابر کنیم و به ۷۰ درصد برسیم، یعنی نیروی کار دو برابر شده است و بیکاری ۵۰ درصد در حوزه صنعت کاهش یافته است. بهره وری و کارایی را در اختصاص یارانه یک اصل می دانم امروز خیلی از واحدهای صنعتی ما با مزاد نیروی کار مواجه اند چون تولید بیشتری نمی توانند داشته باشند. برای اختصاص یارانه صنعت حتما باید این شاخص ها و شاخص های دیگری مدنظر باشد.

مشکلات بر نخوریم؟

ببینید! هدفمند کردن یارانه ها می توانست شیوه های دیگری نیز داشته باشد مثلا اگر قرار بود که نقدی اجرا شود می توانست از طریق خط فقر که در هر استانی متفاوت است، اجرا شود به طوری که کسانی که زیر خط فقر هستند به آن یارانه بپردازد و به سایرین نپردازد. این بهترین شیوه بود و افرادی که ثبت نام می کردند نیز می توانستید کنترل کنید چون حسابهایشان را دارید و در سیستم مشخص است. امروز در هر بانکی که بروید و اسم بنده را بنویسید چون ارتباط دارند از طریق شبکه کوربانکینگ معلوم است که حساب و کتابهای بانکی فرد چگونه است و وام دارد یا ندارد و چقدر گردش دارد. آن همت و جسارت مهم است و این که وقتی تصمیم می گیریم که کاری را انجام دهیم، مهم و تعیین کننده می شود. من فکر می کنم که آن جمع بندی و اراده وجود نداشت.

الان چطور؟ فکر می کنید آن اراده وجود دارد یا خیر؟

-نه، هنوز من این را حس نمی کنم.

یک بحث دیگر در اجرای هدفمند کردن یارانه ها، نحوه حمایت از اقشار ضعیف است، با توجه به این که می فرمایید حمایتها نقدی نباشد، در این زمینه چطور بهتر است اقدام شود؟

امروز کسی که جزو دهکهای بالای درآمدی جامعه است اگر بیمار شود به یک بیمارستان خوب می رود و حتی خارج از کشور هم ممکن است برود ولی کسی که در دهکهای پایین درآمدی است به دلیل هزینه های بالا بعضا از رفتن به مراکز درمانی امتناع می کند، من می گویم اگر دولت وجه هدفمندی یارانه ها که در ماه ۳۵۰۰ میلیارد تومان است اگر مثلا به درمان اختصاص می داد، همان طبقه پایین جامعه خیالش راحت بود. الان مترو را چه کسی استفاده می کند. غالبا طبقات متوسط به پایین هستند. اگر بخشی از همین وجه را برای مترو استفاده می کردید و بلیت مترو را مثلا رایگان می کردید دغدغه فکری این قشر از جامعه را در زمینه هزینه های مترو از بین می بردید. بحث بهداشت امروز یک دغدغه اصلی است. کسی که در دهکهای بالای درآمدی است می تواند هزینه های بهداشتی و درمانی خود را راحت پرداخت کند ولی در طبقات پایین این دغدغه وجود دارد. بنابراین اگر در جامعه روی بهداشت و درمان سرمایه گذاری کردید نصیب چه کسی می شود، اکثرا نصیب طبقات پایین که رفاه و استفاده بیشتری از آن می برد. یعنی اگر مبلغ نقدی بدهید، فرد نمی تواند با ۴۵ هزار تومان کار خاصی انجام دهد و رقم خاصی برای بهداشت و حمل و نقل او نمی شود ولی دولت چون می تواند آن مبالغ را جمع کند، می تواند بخشی از دغدغه های فکری و ذهنی دهکهای پایین

دولت در اجرای سبد کالا به بدترین شیوه عمل کرد. من در مصاحبه با رادیو هم گفتیم که با این که حساس هستیم روی این موضوع ولی نمی دانم که چگونه می خواهند آن را توزیع کنند

اگر یارانه ها به آن امور به صورت غیر نقدی تعلق می گرفت اول اثر ضد تورمی داشت، دوم اثر حمایت تولید و سازندگی و بعد از چهار سال نیز مثلا در حوزه سلامت می شد فرانشیز بیمه سلامت را به شدت پایین آورد و مردم خیالشان راحت بود

موضوع را کم می کند و از طرفی تولیدات داخلی کشور را توزیع کنند؟

ولی یک اشکال این بود که همه این ها تولیدات داخلی نبود و وارداتی بود. به صورت عمده برنج ها وارداتی بود. اگر توزیع از تولیدات داخلی صورت می گرفت قابل قبول بود و جنبه های ضد تورمی هم داشت و حمایت از تولید داخلی نیز بود.

اما یک مسئله در توزیع سبد کالا فکر می کنم به این باز می گشت که ما ضعف در شناسایی دهکهای درآمدی داشتیم. یعنی یک سری سامانه های اطلاعاتی وجود داشت که وقتی جمع کردند باز هم به یک روش عادلانه ای برای توزیع نرسیدند و هنوز عده ای اعتراض دارند، با عنایت به این که می فرمایید در گام دوم هدفمندی یارانه ها، حمایتها به صورت نقدی نباشد و برویم به سمت شناسایی طبقات ضعیفتر و پایین تر اما این سوال نیز مطرح است که فکر نمی کنید که شناسایی طبقات غنی تر و دهکهای بالای درآمدی با وجود دغدغه هایی که درباره حسابهای شخصی افراد فرمودید راحت تر باشد یعنی راهکارهای مختلفی وجود ندارد که بتوان آن ها را به صورت قانونمند شناسایی کرد و بهتر گام دوم را اجرایی کرد که به این گونه

